

## محاكمه کارگران سقز، محاکمه طبقه کارگر ایران است!

حسن رحمان پناه

قرار بود روز پنج‌شنبه دوم مهرماه، محمود صالحی و متعاقب آن دیگر فعالین کارگری دستگیر شده در اول ماه مه سقز در بیدادگاه‌های اسلامی این شهر محاکمه شوند. صبح روز پنج‌شنبه هنگامیکه محمود صالحی و وکلای مدافع ایشان و دیگر دستگیر شدگان سقز (محمد شریف و مهشید محدود) برای جواب دادن به سوالات پرونده محمود صالحی در دادگاه انقلاب سقز حضور یافتند، در میان بهت و ناباوری آنها اعلام شد که قاضی پرونده مذکور در «مرخصی» است و دادگاه برگزار نمی‌شود. عده‌ای از مردم مبارز شهر سقز نیز همراه خانواده دستگیر شدگان اول ماه مه که از نزدیک پرونده کارگران دستگیر شده را تعقیب و از بدو رویداد اول ماه مه سقز مدافع آنان و در واقع به بخشی از آن پرونده تبدیل شده‌اند، در جلو دادگاه حضور داشته و با بیرون آمدن محمود صالحی و وکیل مدافعش بدون برگزاری دادگاه ابراز شادی و خوشحالی کردند و برگزار نشدن دادگاه را که مقامات رژیم اسلامی آن را آگاهانه به تعویق انداخته بودند، ناشی از نگرانی رژیم از آن پرونده دانسته و آن را موفقیتی برای خود و تمام دستگیر شدگان به حساب آوردند.

### اول ماه مه سقز و جنبش کارگری ایران

قابل ذکر است که دستگیر شدگان اول ماه مه سقز هفت تن هستند که با قرار وثیقه و بعد از ۱۲ روز تحمل زندان و اذیت و آزار از سیاه‌چال‌های رژیم اسلامی آزاد شدند. سران رژیم اسلامی بر خلاف میل خود و تحت فشارهای داخلی و بین‌المللی به ناچار تن به آزادی کارگران دستگیر شده سقز دادند. کارگران سقز به خاطر برگزاری جشن طبقاتی خود در روز اول ماه مه دستگیر و زندانی شدند و همچنان قرار است محاکمه شوند. آنچه کارگران سقز در اول ماه مه روز جشن طبقاتی خود اقدام به برگزاری تجمع و گردهمایی کردند در دنیای متمدن امروز و در بسیاری از کشورهای جهان نه تنها جرم نیست بلکه بعنوان حق طبیعی کارگران که محصول کار و مبارزه آنها است به رسمیت شناخته شده و اتفاقاً خلاف آن غیر طبیعی است. اما جمهوری اسلامی بعنوان رژیم واپسگر و ضد مردمی که از افکار پوسیده هزار و چهار صد سال قبل تغذیه میکند، ادامه حاکمیت خود را در سرکوب و اعمال بی‌حقوقی مطلق بر اکثریت جامعه می‌بیند.

اعتراض و مبارزه کارگران سقز در اول ماه مه و ادامه آن و حمایت‌های داخلی و بین‌المللی از آنها را باید در روند عمومی دو دهه اخیر جنبش کارگری ایران بررسی کرد. اگر مبارزه کنونی طبقه کارگر ایران هنوز در بعد تدافعی و پراکنده قرار دارد (که دلایل خود را دارد) اما اعتراف به وجود چنین مبارزه زنده‌ای نه تنها حرف و نوشته مدافعین جنبش کارگری بلکه واقعیات غیر قابل انکاری است که نشریات و

روزنامه‌های داخل کشور روزانه ناچار به انعکاس بخش‌های از آن هستند. واقعیت این است که طی سالهای اخیر اعتراضات و مبارزات کارگری در ایران سیر صعودی داشته و راهکار مقابله با جمهوری اسلامی و سیاست‌های ضدکارگری آن هر چه بیشتر در دستور فعالین کارگری و رهبران این جنبش قرار گرفته است، جمهوری اسلامی برای مقابله با این جنبش بالنده دو سیاست مجزا را در خارج و داخل کشور همزمان در پیش گرفته است. در خارج ایران و در ارتباط با سازمان جهانی کار «ای. ال. او» کوشش میکند خود را مطابق با معیار و الگوهای آن نشان دهد و وانمود میکند، در ایران تشکل کارگری وجود دارد که خانه کارگر و شوراهای اسلامی هستند و در حرف مصویبات و قراردادهای سازمان جهانی کار را پذیرفته است. در دیدار با مسئولین این سازمان از وجود آزادی تشکل و حق اعتراض برای کارگران صحبت میکنند. اما در عمل برخلاف آن رفتار می‌نمایند و ابتدایی‌ترین خواست و حقوق کارگران، که حق تشکل، اعتصاب و اعتراض است، مطابق قوانین اسلامی از طبقه کارگر ایران منع شده است. این حقایق و دهها مشکل و معضل مادی و امنیتی امروز رمق از طبقه کارگر ایران گرفته و این طبقه را به شرایط بردگانی که بدون هیچگونه دستمزد و حتی لقمه نان بخور و نمیری ماهها برای صاحبکاران عرق میریزند و به بردگان عصر تکنولوژی که بسیار سبانه‌تر از دوران برده‌داری اولیه است شمار میشوند سوق داده و زندگی آنان را به تباهی کشانده است.

شرایط دشوار کار و زندگی طبقه کارگر ایران در جریان دیدار محمود صالحی با نماینده اتحادیه‌های آزاد کارگری که دو روز قبل از واقعه اول ماه مه سقز در تهران برگزار شد و محسن حکیمی هم بعنوان مترجم همراه ایشان بود به اطلاع نامبرده میرسد. دیدار و سخنان محمود صالحی سرآغازی برای تردید و بی‌اعتمادی این تشکل کارگری به جمهوری اسلامی و وعده وعیدهای آن می‌شود که برای رژیم گران تمام شد. دو روز بعد از این دیدار، رویداد اول ماه مه سقز اتفاق افتاد که دستگیری کارگران و حوادث بعد آن را دنبال داشت. سازمان جهانی کار و اتحادیه‌های آزاد کارگری و دیگر نهادهای کارگری در بسیاری از کشورهای جهان در جریان رویداد اول ماه مه سقز و وقایع بعد از آن قرار گرفتند. مخالفت جمهوری اسلامی با دادن ویزای ورود به نمایندگان اتحادیه‌های آزاد کارگری و نمایندگانی از اتحادیه کارگران سوئد (ال. او) برای حضور در دادگاه دستگیر شدگان سقز، از سویی وحشت رژیم اسلامی از بر ملا شدن هر چه بیشتر چهره ضد کارگری آن نزد نهادهای بین‌المللی را نشان می‌دهد و از طرف دیگر تصمیم جمهوری اسلامی را برای آزادی عمل بیدادگانش در اجرایی احکام ضد انسانی در پشت درهای بسته علیه کارگران دستگیر شده سقز را آشکار میکند. قبل از رویداد سقز اگر نهادهای بین‌المللی توهمی به رژیم داشته و قصد معامله و چشم‌پوشی از سیاست‌های ضد کارگری جمهوری اسلامی را دنبال کرده‌اند (البته رفتار رژیم در طول حیاتش توهمی باقی نگذاشته بود)، اکنون باید ماهیت ضد کارگری این رژیم و بی‌حقوقی

طبقه کارگر ایران از هر زمانی بیشتر برای آنان آشکار شده باشد.

از سوی دیگر در عرصه سیاست داخلی، جمهوری اسلامی وحشیانه تر از گذشته عمل کرده و وحشت از جنبش کارگری که سرتاپای نظام را فراگرفته باعث فشار بیشتر به جنبش کارگری و فعالین آن گردیده است. در تقابل با این واقعیت است که خامنه‌ای فتوای ممنوعیت اعتصاب کارگری صادر میکند و نیروهای مسلحش برای اجرای چنین فتوای ضد انسانی، تجمع آرام و حق طلبانه کارگران خاتون آباد را به گلوله میبندند و آنان را به خاک و خون میکشند.

اما نه فتوای خامنه‌ای و نه سرکوب کارگران ذوب مس کرمان، طبقه کارگر ایران را به وحشت نینداخت و آن را وادار به عقب نشینی نکرد. از یک سو، بیکاری، اخراج و عدم پرداخت دستمزد کارگران برای ماههای طولانی و حتی تا یک سال، ناامنی محیط کار و حوادث روزانه، زندگی میلیونها انسان زیر خط فقر و.... رمق از طبقه کارگر ایران گرفته و این طبقه جهت زنده ماندن راهی جز مبارزه باقی نگذاشته است. از سوی دیگر طبقه کارگر ایران و بخصوص رهبران عملی و آگاه آن، اکنون دریافته‌اند که تحقق خواستها و مطالبات آنان به اتحاد، مبارزه و تشکل‌یابی برای رودرویی با کل بورژوازی ایران، جناحها و حکومت حامی آن نیاز دارد. مبارزه و رودرویی کارگران سقز در اول ماه مه امسال تبلور چنین واقعیاتی بود.

### اول ماه سقز و تاثیرات داخلی و جهانی آن

کارگران سقز بعد از مدتهای طولانی کوشش و فعالیت برای برگزاری مراسم اول ماه مه با مجوز قانونی، سرانجام جواب رد گرفتند. آنان برای برگزاری مراسم طبقاتی خود به نیروی واحد و همبستگی خود متوسل شدند. در اولین لحظه گردهمایی تجمع کارگران مورد یورش جانیان اسلامی قرار گرفت و با دستگیری پنجاه تن از کارگران مانع برگزاری مراسم آنها شدند هر چند به دلیل نیروی های مسلح رژیم، این مراسم برگزار نشد و رژیم موفق به برهم زدن تجمع کارگران گردید اما در ادامه مقابله کارگران با جمهوری اسلامی و مقاومت و مبارزه وسیعی که در داخل و خارج کشور آغاز شد توازن به نفع کارگران دستگیر شده تغییر یافت. در جریان زندان و وقایع بعد از آن کارگران دستگیر شده نه تنها از خواستها و مطالبات خود عقب ننشستند بلکه به سخنگو و شعور آگاه و مبارز طبقه کارگر ایران و کردستان تبدیل شده و به شکل غرور انگیز و بی سابقه‌ای به جلو صحنه تقابل کار و سرمایه سوق یافته و امروز در سطح بسیار وسیعی حمایت همه جانبه داخلی و بین‌المللی را به همراه دارند.

دستگیر شدگان اول ماه مه سقز با قدم گذاشتن در زندان و ادامه مراسم روز کارگر در داخل زندان که در پارک کودک موفق به اجرای آن نشده بودند، قطعنامه اول ماه مه بخش رادیکال جنبش کارگری ایران (جاده کرج) را به تصویب میرسانند. دستگیر شدگان با اعتصاب غذا و مقاومت متحدانه و تحسین برانگیز

در داخل زندان به نبرد رژیم میروند که ۲۵ سال است ابتدایی‌ترین خواست‌ها و مطالبات طبقه کارگر و مردم ایران را سرکوب و لگدمال کرده است. دستگیر شدگان سقز نشان دادند که صدای در گلو خفه شده میلیون‌ها کارگر و مردم زجر کشیده در ایران هستند که از دست جانپان اسلامی به ستوه آمده‌اند. مقاومت آنها یادآور مقاومت کارگران دستگیر شده اول ماه مه شیکاگو در آمریکا بود که در بیدادگاه‌های بورژوازی درنده آن کشور محاکمه و به مرگ محکوم شدند، اما از خواست‌های طبقاتی و انسانی خود عقب نشستند.

مقاومت دستگیر شدگان سقز در داخل زندان، فعالیت فداکارانه همسران و خانواده‌های آنها برای اطلاع رسانی درست و بموقع در داخل و خارج کشور، مکان دستگیری کارگران (کردستان) که به دلیل ویژگی سیاسی - مبارزاتی این منطقه ابعاد جدی‌تری به دستگیری‌های اول ماه مه سقز داد، فعالیت سازمانها، نهاد و انجمن‌ها، افراد و احزاب و تشکل‌های کارگری و انساندوست در خارج کشور و همچنین حمایت بخش‌هایی از مراکز کارگری در داخل کشور از دستگیرشدگان سقز، وزن و اعتبار خاصی به نبرد کارگران با رژیم اسلامی بخشید. ابعاد وسیع حمایت‌های داخلی و بین‌المللی از دستگیر شدگان سقز جمهوری اسلامی را در تنگنا و کارگران را در موقعیت به مراتب بهتری قرار داده است. اکنون این رودویی به تقابل طبقه کارگر ایران، مدافعین جنبش کارگری و سازمانها و نهادهای کارگری در داخل و خارج کشور با جمهوری اسلامی تبدیل شده است، تا همین اندازه تردیدی در رسوایی و بی‌اعتباری رژیم اسلامی و تحمیل عقب‌نشینی به آن، بعنوان گام مهمی در پیشروی جنبش کارگری نباید وجود داشته باشد. تاخیر در برگزاری محاکمه فرمایشی کارگران و وقت‌کشی، اجازه ندادن به نمایندگانی از نهادهای کارگری و بین‌المللی برای شرکت در محاکمه کارگران سقز بخشی از این عقب‌نشینی است. اکنون تقابل کارگران دستگیر شده سقز با رژیم‌ها اسلامی مرزهای استانی و کشوری را در نوردیده و به یک معضل اصلی میان جمهوری اسلامی و فعالین و تشکل‌های کارگری در داخل و خارج کشور تبدیل شده است. محاکمه دستگیر شدگان سقز محاکمه این جنبش جهانی و کل طبقه کارگر ایران است. جمهوری اسلامی قصد دارد شکست خود در تقابل با دستگیر شدگان سقز را حداقل به عقب‌نشینی «آبرومندانه» تبدیل کند. زمانیکه رژیم اسلامی در مقابل موج عظیمی از حمایت و پشتیبانی داخلی و بین‌المللی در دفاع از کارگران سقز قرار گرفت و توان توجیه اعمال سرکوبگرانه خود برای دستگیری و زندانی کردن و محاکمه کارگران را نداشت، مفتضحانه به حربه پوسیده و ضدانسانی تفتیش عقاید متوسل شد و دستگیر شدگان را متهم به رابطه سیاسی و تشکیلاتی با کومه‌له کرد. رژیم اسلامی قصد دارد با متهم کردن دستگیر شدگان به ارتباط با کومه‌له که یک سازمان کمونیست و اپوزیسیون رژیم اسلامی است. محاکمه کارگران را از محاکمه بر سر خواست‌ها و مطالبات طبقه کارگر ایران به محاکمه بر سر آرمان معین و تشکیلات مشخصی که هر دو در حکومت اسلامی

ممنوع هستند به بیدادگاه بکشاند. این شگرد رسوا و کهنه جمهوری اسلامی همان سیاستی است که ۲۵ است طبقه کارگر و مردم معترض را با آن سلاخی میکنند. این سیاست به قدمت جمهوری اسلامی و قوانین ضدانسانی آن و دوران سیاه تفتیش عقاید قرون وسطی در اروپا پوسیده و ضد بشری است. این حربه نیز بی شک برای رژیم کارساز و مشکل گشا نخواهد بود و باید آنرا به شکست کشاند. دستگیر شدگان سقز در روز روشن و در جلو چشم ماموران و مزدوران رژیم اقدام به برگزاری جشن طبقاتی خود نمودند. چنین مراسم علنی و آشکاری چه ربطی به بهانه‌های واهی و جعلی جمهوری اسلامی برای محکومیت کارگران دارد؟ کارگران و هر فردی از جامعه در انتخاب سازمان و تشکیلات سیاسی و مبارزاتی خود آزادند و دولت حق دخالت در تصمیم سیاسی افراد جامعه را ندارد و باید چنین دخالتی جرم محسوب شود.

### در دفاع از دستگیر شدگان سقز در داخل و خارج کشور چه باید کرد؟

مبارزه تاکنونی در دفاع از دستگیرشدگان سقز در داخل و خارج کشور تا همین حد هم موفقیت به حساب می‌آید و باید به اتحاد و سازمانیابی کارگران و هموار کردن راه برای رسیدن به چنین نیتی کمک کرده باشد. این مبارزه میتواند در ادامه خود خواستها و مطالبات دیگری از جمله ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری (مستقل از دولت و جناحهای بورژوازی) را در اولویت کار و فعالیت خود قرار دهد. نیاز به چنین تشکلی برای جنبش کارگری از ضرورت مبارزه عاجل کنونی و دفاع از خواست‌های روزانه تا ارتقا این مبارزه برای نبردهای نهایی آینده نشأت میگیرد. تردیدی نیست که دست یافتن به چنین ابزاری و بسیج کارگران حول آن بر عهده گرایش رادیکال و سوسیالیست درون جنبش کارگری است. این گرایش در رویدادهای یک سال اخیر مهر خود را بر جنبش کارگری ایران کوبید و به همگان نشان داد که توانایی سازماندهی و هدایت طبقه کارگر برای جدال‌های سرنوشت ساز با جمهوری اسلامی و کل بورژوازی ایران را دارد. حمایت این گرایش و فراخوان به اعتصاب و دست کشیده از کار در اعتراض به کشتار کارگران ذوب مس کرمان، فراخوان به برگزاری مراسم مستقل کارگری در اول ماه مه و ارائه قطعنامه بخش رادیکال جنبش کارگری ایران که به قطعنامه (جاده کرج) معروف شده است، حمایت از کارگران دستگیر شده سقز و فراخوان به دست کشیدن از کار به مدت پنج دقیقه در اولین روز شروع بیدادگاهی سقز، حمایت کارگران ایران خودرو از دستگیر شدگان سقز، اقدام برای انتشار نشریه مستقل کارگری و طرح خواستها و مطالبات طبقه کارگر ایران و نقد گرایش سندیکالیست و سازشکار در درون جنبش کارگری و.... از اقدامات این گرایش در طول یک سال اخیر بوده است. آنچه که امروز میتواند اتحاد صفوف جنبش کارگری را در حاضر و آینده تضمین و مبارزات این طبقه را برای رهایی سازماندهی و هدایت کند و در عرصه بین‌المللی نیز زبان حال طبقه کارگر ایران باشد همین گرایش رادیکال و سوسیالیستی درون جنبش کارگری است. دیگر گرایش‌های درون جنبش کارگری امتحان خود را پس داده و ناموفق بیرون

امروز جنبش کارگری ایران آشکارا در حال پالایش در عرصه نظری و عملی است. پیروزی در این نبرد تماما در گرو به میدان آمدن گرایش سوسیالیستی درون جنبش کارگری است. اکنون به همت مبارزه و فداکاری فعالین کارگری سقز و مدافعین راستین طبقه کارگر، جنبش کارگری ایران در سطح بسیار گسترده‌ای مطرح و در صحنه جدالهای اصلی سیاسی در ایران قد علم کرده و غیر قابل چشم پوشی است. در شرایط فعلی و همزمان دو وظیفه مهم در مقابل فعالین کارگری و جنبش کارگری در داخل و خارج کشور قرار گرفته است که تحقق هر کدام بر دیگری نیز تاثیر خواهد گذاشت:

۱- در عرصه داخلی اولویت مبارزه کارگران باید حول ایجاد تشکل مستقل و توده‌ای کارگران (مستقل از دولت و جناحهای مختلف بورژوازی) متمرکز شود. ایجاد چنین تشکلاتی نیروی عظیم اجتماعی طبقه کار را به میدان خواهد آورد و کمیت و کیفیت مبارزه کارگران را در مقابل تعرض روزانه دولت و صاحب کاران ارتقا و در مقابل اخراج، دستمزدهای معوقه، ساعت کار طولانی و... نیروی کل طبقه کارگر ایران را اعم از شاغل و بیکار و زن و مرد به میدان خواهد آورد. امروز اضافه کردن لقمه نانی به سفره خالی کارگران ایران در گروه ایجاد تشکل کارگری است. تشکلی که هم محصول مبارزه متحدانه و آگاهانه کارگران است و هم مبارزه آنها را نیز سازمان و ارتقا خواهد داد.

۲- در عرصه فعالیت بین‌المللی، فعالین و مدافعین جنبش کارگری ایران میتوانند و باید بطور جدی در صد فشار بر سازمان جهانی کار (ای.ال.او) دیگر نهادهای بین‌المللی برای اخراج جمهوری اسلامی از این نهادها باشند. جمهوری اسلامی و ارگانهای ضد کارگری آن نه تنها نماینده و سخنگوی طبقه کارگر ایران در چنین مجامعی نیستند بلکه عامل سرکوب، کشتار، بی‌حقوقی، فقر و تباهی این طبقه‌اند. همچنین باید جمهوری اسلامی را بعنوان رژیم ناقص حقوق بشر در دادگاهها و نهادهای مدافع بشر بین‌المللی مورد تعقیب قانونی قرار داد.

در پایان، جنبش دفاع از کارگران دستگیر شده سقز توسط احزاب، سازمانها، تشکل و نهادها و منفردین سوسیالیست جنبش کارگری و مبارزاتی که علیه محاکمه کارگران سقز شکل گرفته‌اند لازم است فعالتر از گذشته برای لغو کامل و بدون قید و شرط دادگاه تفتیش عقاید رژیم در شهر سقز، جبران خسارات وارده به کارگران دستگیر شده در جریان خانه گردی و مدت زندان، لغو قرار وثیقه آزادی آنان از زندان، لغو ممنوعیت اجازه سفر دستگیر شدگان برای حضور در مجامع بین‌المللی و کارگری در خارج کشور از جمله اجازه سفر به محمود صالحی برای سفر به کانادا به درخواست اتحادیه‌های آزاد کارگری برای سخنرانی، لغو کنترل امنیتی بر کار، تلفن و زندگی خصوصی دستگیر شدگان و... ادامه یابد.

بی‌شک مبارزه دور اخیر کارگران و فعالین سقز بعنوان برگ زرینی بر تارک جنبش کارگری ایران خواهد

درخشید و تمام مدافعین کارگری در داخل و خارج کشور در شکل دادن به این تاریخ سهیم‌اند.

۲۵ سپتامبر ۲۰۰۴

برگرفته از جهان امروز شماره ۱۳۵